

ماه مبارک رمضان

طراحے خدا برای گسترش ظرفیت مؤمنان



سخنرانی

حجت الاسلام و المسلمین حاج علی اکبری

در گردهمایی مسئولان استانی اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان

۱۳۹۳/۰۴/۰۴

فهرست

- یاری گرفتن از نماز و صبر
- بر اثر صبر نوبت ظفر آید
- ضیافت صبر
- روزه‌ی واقعی مؤمن
- طبع مؤمن، شیرین است
- نصیب معارفی از هر جزء قرآن را مشخص کنید
- کسب آمادگی برای ورود به ماه مبارک رمضان
- بهسازی روابط اجتماعی در پرتو ماه رمضان
- چند نکته تشکیلاتی
- تابستان، ماه رمضان تشکیلات ما
- انسجام‌بخشی بیشتر به فعالیت‌ها
- شناسایی سهم اتحادیه‌ی ما از کتاب و کتابخوانی
- گوهرهای ناشناخته‌ای به نام شهدای اتحادیه
- ساکت و بی‌موضع نباشید!
- ارتباط فعال با سایر تشکل‌های مؤمن با حفظ هماهنگی تشکیلاتی
- برای هم دعا کنیم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ وَجُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ^۱

یاری گرفتن از نماز و صبر

رائحه‌ی دلپذیر ماه مبارک رمضان در روزهای پایانی ماه معظم شعبان استشمام می‌شود که آن را به فال نیک می‌گیریم. در روزهای پایانی ماه معظم شعبان به شکل طبیعی انسان‌های مؤمن با اشتیاق بیشتری خود را برای ماه مبارک رمضان آماده می‌کنند. اگر کسانی وظایف تربیتی، فرهنگی و اجتماعی خاصی به عهده‌شان باشد، طبعاً بیشتر باید خود را آماده کنند و شما جزء آن گروه‌ها هستید. آماده شدن شما فقط در مسیر تکامل شخصی و بهره‌های معنوی شخصی نیست؛ بلکه علاوه بر اینها، برای ارتقای حرکت معنوی یک مجموعه تربیتی، با اعضای بسیار عزیز و نورانی نیز تلاش می‌کنید و این هم وظیفه شما است که این وظیفه، استفاده و استضائه شما را از ماه مبارک رمضان افزایش می‌دهد. ما باید به ناچار چند برابر مردم و اشخاص معمولی خودمان را آماده کنیم تا ان‌شاءالله از انوار و برکات ماه مبارک رمضان بهره‌مند شویم، به این امید که ان‌شاءالله بتوانیم بهتر از گذشته به جمع عزیزی که امیدهای آینده هستند، خدمت کنیم.

۱. خطبه شعبانیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۲۶.

قرآن کریم نیز می‌فرماید: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ؛^۲ از شکیبایی و نماز یاری جوئید». در آیه سال نیز به صبر سفارش شده‌ایم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛^۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید». صبر در واقع فراهم‌سازی ظرفیت است. انسان مؤمن نان ظرفیتش را می‌خورد. هر چقدر که انسان ظرفیت شخصیتش گسترش پیدا بکند، به همان نسبت از عهده و وظایف ایمانی بهتر برمی‌آید.

روزه و ماه مبارک رمضان یک طراحی الهی برای گسترش ظرفیت مؤمنان است؛ لذا به روزه به خاطر ویژگی خاصی که در بین برنامه‌های عبادی دارد، صبر هم گفته می‌شود. به همین خاطر فرموده‌اند: این صبر و صلاه همان صوم و صلاه است؛^۴ اگر چه اینجا معنایش وسیع‌تر است. گویا مصداق اعظم صبر که در آیه کریمه آمده، روزه است. در این آیه صبر مقدم بر نماز آمده است؛ زیرا آن چیزی که نماز را حفاظت می‌کند، صبر مؤمن است و روزه یکی از بهترین پشتیبان‌ها برای نماز محسوب می‌شود.

اگر ظرفیت شخصیتی ما توسعه پیدا بکند، در انجام وظایف دینی، در صیانت از کیان ایمان، در انجام مأموریت‌ها و رسالت‌های بزرگ اسلامی، موفق‌تر عمل می‌کنیم. اگر مسیری را که اهل ایمان طی کرده‌اند، مطالعه کنیم، می‌بینیم همواره کسانی توانسته‌اند به شایستگی در این

۲. بقره: ۴۵.

۳. آل عمران: ۲۰۰.

۴. رک: شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۶، ح ۱۷۷۶؛ تفسیر عبّاشی، ج ۱، ص ۴۳، ح ۴۰؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۵۴، ح

عرصه خدمت کنند که از این ویژگی بهره وافی داشته‌اند. آدم صبور به درد دین نمی‌خورد. آدم کم‌طاقت، و ضعیف النفس که تحملش و استقامتش کم است، به درد دین نمی‌خورد. به نظر من به درد خودش هم نمی‌خورد. چنین آدمی از عهده کارهای شخصی‌اش هم بر نمی‌آید تا چه رسد بخواهد در خدمت دین و یاری‌گر آرمان‌های دینی قرار بگیرد.

بر اثر صبر نوبت ظفر آید

عنصر نصر کاملاً وابسته به عنصر صبر است. یاری‌گری که ادبیات بسیار فاخر و فوق‌العاده جذاب در دین درباره‌ی آن مطرح شده است. تعابیر زیبایی مثل «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»^۵ اگر خدا را یاری کنید یاری‌تان می‌کند» و «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^۶ و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد» باب بسیار دلپذیر و جذابی را تحت عنوان نصرت خدای متعال مطرح کرده است. یاران و حواریون حضرت عیسی بن مریم (سلام الله علیه) وقتی که آن حضرت به عنوان نماینده و فرستاده خدا پرسید: «مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ»^۷ یاران من در راه خدا چه کسانی‌اند؟» پاسخ دادند: «نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ»^۸ ما یارانِ خداییم». این فرهنگ ممتاز و باب کرامت و فضیلت فوق‌العاده‌ای است که گشوده شده که انسان مؤمن جزء انصار الهی بشود؛ یعنی یاری‌گری دین و پیشبرد مقاصد. منتها به جهت تکریم و بزرگداشت

۵. محمد: ۷.

۶. حج: ۴۰.

۷. صف: ۱۴.

۸. صف: ۱۴.

شخصیت انسان‌ها، خدای متعال به جای اینکه این را به عنوان نصرت دین مطرح کند، مستقیماً نصرت را به خودش ربط داده است. در یک رابطه شرطی فرموده: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ». نمونه‌های دیگری از این قاعده در قرآن کریم است؛ مثلاً در باب قرض الحسنه، خداوند متعال می‌فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا؟^۹ کیست که خدای را وام دهد؛ وامی نیکو؟».

انسان وقتی در خطوط تماس دینی قرار می‌گیرد، رشد می‌کند و کریم می‌شود. یعنی منازل کرامت در این شبکه طی می‌شود و خدای تبارک و تعالی زمینه را برای دستیابی انسان به عالی‌ترین سطوح کرامت باز کرده و مقدماتش را کاملاً فراهم ساخته است. از جمله همین عنوان بسیار جذاب نصرت است. نصرت دین حق و نصرت ولی حق همه‌ی اینها در گرو فراهم کردن یک عنصر بسیار اساسی به نام صبر است. انسان مؤمن در تمام مراتب با دو بال صبر و شکر است که پرواز می‌کند. کمتر چیزی است که چنین جایگاهی در ادبیات دینی ما داشته باشد. صبر و شکر مؤمن را به عالی‌ترین درجات ایمان پرواز می‌دهد و امکان صعود و رشد را برای او فراهم می‌کند. در این بین بعضی‌ها می‌گویند که صبر اهمیتش به مراتب بیشتر است. جایگاه صبر در ایمان همانند جایگاه سر نسبت به بدن است.^{۱۰} صبر چنین جایگاه والا و بالایی دارد.

۹. بقره: ۲۴۵.

۱۰. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «صبر نسبت به ایمان، مانند سر است نسبت به تن. همان‌طور که سر برود تن هم می‌رود، اگر صبر برود، ایمان

می‌رود». شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۵۷.

ضيافت صبر

ماه مبارک رمضان به مناسبت اینکه انسان مؤمن در یک جبهه جدید به مصاف نفس می‌رود، برای او ظرفیت‌های تازه‌ای از استقامت فراهم می‌شود و این باعث شده که اساساً اسم روزه صبر باشد. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) در خطبه شعبانیه فرمودند: «دعیتم فیه الی ضیافه الله؛^{۱۱} در آن شما به مهمانی خدا دعوت شده‌اید». این ضیافت به چیست؟ ضیافت به صبر است. چون ترک مشتهیات، هر چند در یک زمان کوتاه و در یک محدوده خاص باشد، همان صبر است. ضیافت، ضیافت صبر است. انسان مؤمن در ماه مبارک رمضان سر این سفره قرار می‌گیرد و با صبر پذیرایی می‌شود تا بتواند توان خودش را افزایش بدهد. اینجا میدان خیلی فراخ است و بستگی به این دارد که شما میدان اقدام خودتان را چقدر توسعه بدهید. هر قدر که بخواهید، می‌توانید این میدان را توسعه بدهید.

روزه‌ی واقعی مؤمن

آنچه به عنوان روزه تشریح شده، میدان کوچک و حداقلی است. به عبارت دیگر، این نقطه شروع و آغاز و عظمت است که گفته‌اند در این قطعه از زمان در ماه مبارک رمضان، روزه داشته باشید؛ یعنی از خوردن و آشامیدن و ... خودداری کنید. این کف و حداقل مسئله است. ولی میدان مؤمن در ورود به این عرصه، وسیع و کاملاً گشوده است. به این ترتیب که اعضاء و جوارح انسان نیز روزه بگیرند و از محرّمات بپرهیزند. حتی از این بالاتر و آن اینکه از

۱۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۴.

امور مکروه نیز روزه بگیرند. لذا امام سجاد (ع) در دعای چهل و چهارم صحیفه نمونه‌هایی که برای روزه جوارحی نقل می‌کنند، به منطقه مکروهات نیز مربوط می‌شود. مثلاً درباره‌ی گوش می‌فرمایند: «حَتَّى لَا نُصْغِيَ بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَعْوٍ». یعنی ما با گوش‌هایمان در ماه رمضان حتی لغو هم نشنویم. لغو یعنی حرف‌های بی‌هوده؛ یعنی همان سخنان و آواهایی که شنیدنش برای کسی که ایمانش افزوده می‌شود، کراهت شدید می‌شود. انسان مؤمن در منطقه‌ی ایمانی‌ای است که حتی شنیدن این چیزها برایش حرام است؛ هر چند برای دیگران مکروه باشد؛ زیرا مؤمن اوج گرفته و می‌خواهد به منازل بالاتری برود. یا درباره‌ی چشم می‌فرماید: «وَلَا نُسْرِعُ بِأَبْصَارِنَا إِلَى لَهْوٍ» ما با چشم‌هایمان لهو نبینیم. لهو یعنی زیاده و هرزه دیدن؛ هر چند حرام هم نیست.

انسان مؤمن چشمش رها نیست برای دیدن چیزهایی که دون شخصیت او است. مثلاً بشیند یک ساعت و نیم فوتبال تماشا کند. مگر ما به این دنیا آمده‌ایم برای تماشای بازی دیگران؟! ما حتی نیامدیم برای بازی، تا چه رسد برای تماشای بازی دیگران! چه عمر قیمتی بر سر این بازی که برای ما درست کرده‌اند از ما و ملت ما تلف می‌شود و به هدر می‌رود. متأسفانه بچه‌های مؤمن ما هم به آن مبتلا شده‌اند و آن را با عرق ملی توجیه می‌کنند. البته اگر این برد چیز خوبی است برای آنها دعا می‌کنیم که ان‌شاءالله موفق باشند؛ منتها در همین حد. از رهگذر همین تماشاها انسان مبتلا می‌شود به ساعت‌ها تماشای لهو. از آن بدتر آنکه فوتبال کشورهای دیگر را هم می‌بینند و بعد تبدیل می‌شود به یک پرستی که فلانی می‌تواند تحلیل کند و اسم بازیکنان را می‌داند.

برای ما بازی می‌سازند و ما را بازی می‌دهند. خیال می‌کنیم که ما هستیم که در صحنه بازی می‌کنیم. در حالی که ما بازی می‌خوریم. بعد فرصت مناجات‌ها از دست می‌رود و ذوق معنوی کور می‌شود. شخص مؤمنی مثل شما که به عنایت الهی چشمش حرام نمی‌بیند؛ ولی مبتلا به چیزهایی می‌شوید که سید الساجدین (علیه الصلاه و السلام)، اسمش را ابتذال گذاشته شده است. اموری که شخصیت انسان را کاهش می‌دهد. آدم‌های مؤمن از طریق مراقبت از این امور است که به درجات بالای ایمان دست پیدا می‌کنند و انسان‌های معمولی، در همین مراتب پایین چرخ می‌خورند تا وقتشان تمام بشود؛ البته اگر سقوط نکنند.

حضرت می‌خواهند به ما در ماه مبارک رمضان افق بدهند، لذا می‌فرمایند که مؤمن در ماه مبارک رمضان غیر از روزه معمولی که البته آن هم فوق‌العاده قیمتی، ارجمند، و سپر جهنم و نقطه شروع پرواز معنوی است، روزه‌اش را به اعضاء و جوارحش نیز توسعه می‌دهد و همه‌ی اعضا و جوارحش روزه می‌گیرند. از چه روزه می‌گیرند؟ اولاً از حرام. از اینکه مبتلا به حرام نشوند. به همین منظور از زبان، چشم، دست و گوش‌شان فوق‌العاده مراقبت می‌کنند تا گرفتار گناه و معصیتی نشوند. اما مؤمن در اینجا متوقف نمی‌شود؛ بلکه یک قدم بالاتر می‌رود و از آنچه اضافه، لغو، بیهوده و لهُو است، خود را حفاظت می‌کند. این یعنی گسترش ظرفیت.

جالب است که همین روزه معمولی ما هم پیام خاصی دارد. خوردن و آشامیدن حلال است، اما در این ماه حرام می‌شود. این سخت‌گیری، نوعی تمرین برای توانمند کردن انسان مؤمن است که در تابستان هم به دلیل روزهای گرم و طولانی به قله می‌رسد.

طبع مؤمن، شیرین است

فراتر از اینها، این است که قلب تان هم روزه باشد. روزه قلب، روزه خواص است. البته بعضی گفته‌اند روزه معمولی که احکام شرعی‌اش گفته شده، روزه عوام است، روزه خواص می‌شود روزه جوارحی و روزه آنهایی که خاص الخاص هستند، می‌شود روزه جوارحی و قلبی. روزه جوارحی یعنی انسان موفق شود که دلش را از غیر خدای متعال شستشو کند. رازش هم در ترک ما سوا است. اینها ظرفیت‌سازی برای انسان مؤمن است. چنین کسی در هر میدانی که وارد بشود، موفق از آب درمی‌آید. یعنی خروجی تربیتی ماه مبارک رمضان، یک مؤمن فرازمند، موفق، طلایه‌دار و خوش‌ظرفیت است که می‌تواند عنوان شریف یاری‌گری دین را داشته باشد و جزء انصار شود. انصار از صابران هستند و به اندازه‌ی حظشان از صبر، رتبه در نصرت پیدا می‌کنند. هر چقدر که بیشتر بشود، بالاتر می‌روند.

البته لطیفه‌ای در دعای ماه مبارک رجب است که نشان می‌دهد بین این دو عنصر نسبت بسیار جذابی وجود دارد، آنجا که می‌فرماید: «اللهم انی اسئلك صبر شاکرین لک» صبر ظاهراً مقداری تلخ است. انسان هر جا که می‌خواهد ترک گناه داشته باشد و مقاومت و ایستادگی کند، نفس مانع می‌شود. شما باید طرف خدای متعال و عقل تان را بگیرید و به نفس بگویید: نه. این ظاهراً تلخ است. اسم آن گیاه مشهور هم صبر است که فوق‌العاده تلخ و جزء گیاهان داروئی است. انسان از جهت رتبه معرفتی در مرحله‌ای قرار بگیرد که صبر برایش آمیخته با رضا و حلاوت باشد، و طعم ناگوار و تلخ نداشته باشد. در حقیقت به صبر جمیل دست پیدا کند.

این در مرحله خاصی تعریف شده است. برخی روزه برایشان تلخ است؛ زیرا ته دلشان آرزو می‌کنند که ای کاش می‌شد بخورند یا بیاشامند. اما مؤمن این برایش حلاوت و شیرینی خاصی دارد. این افراد می‌توانند در میدان‌های عمل هم همین‌طور شیرین عمل کنند؛ با آنکه تمام اطراف آنها را تلخی‌ها گرفته باشد. اصلاً طبع مؤمن شیرین است و در این مسیر، همواره شیرین‌تر و شیرین‌تر می‌شود تا برسد به آنجایی که باید برسد. در روایت داریم که امام فرمودند: شیعیان ما خرمایی هستند.^{۱۲} یعنی خرما را دوست دارند. یک معنایش همین خرمای خوردنی است. یک معنایش همین است که عرض کردیم؛ یعنی ما شیرین هستیم، شیعیان ما هم شیرین هستند. یعنی طبع مؤمن این گونه است.

امام راحل عظیم‌الشان در هدایت کلان امت، در شرایط سخت و تحریم که قرار می‌گرفت، می‌فرمودند که چه کسی ما را می‌ترساند؟ ما فرزند رمضان هستیم. تحریم کنند، چه اتفاقی می‌افتد؟ کسی که در چنین دستگاہ تربیتی وارد شده باشد، از نخوردن و کم خوردن یا امثال اینها نمی‌هراسد. خیلی این تعبیر، تعبیر لطیفی است. ما را از کشتن می‌ترسانید؛ ما فرزند عاشورا و محرم هستیم. ما را از تحریم می‌ترسانید، ما فرزند رمضان هستیم؛ ترسی که نداریم. حالا شما به این ظرفیت اضافه کنید، روزه‌های مستحبی که فرمود: «فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ»^{۱۳} و هر که به رغبت در آن بيفزاید، برایش بهتر است»

۱۲. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۳۴۵-۳۴۶.

۱۳. بقره: ۱۸۴.

در اینجا میدان دیگری است برای کسانی که بخواهند به مراتب بالاتر برسند. برای یک جامعه جوان و باطراوتی که می‌خواهند وارد میدان اقدام‌های جهادی و رفتن به مصاف دشمن و عمل کردن به «صابروا» شوند، دستورالعمل امام این است که دوشنبه و پنج‌شنبه را روزه بگیرند. پیام امام به دانشجویان انجمن‌های اسلامی این بود که دوشنبه و پنج‌شنبه را روزه بگیرند؛ یعنی مقاوم باشید.

نصیب معارفی از هر جزء قرآن را مشخص کنید

امیدوارم ان‌شاءالله خداوند تبارک و تعالی به ما توفیق بدهند که بتوانیم از مزایای ماه رمضان استفاده کنیم. دو سه روز بیشتر تا این ماه باقی نمانده است. در فاصله‌ای که باقی مانده، از خدای متعال آمادگی و از ولی خدا مدد بخواهید. خودتان را برای بهره‌های ویژه ماه مبارک رمضان آماده و مقدمات آن را فراهم کنید. به نظر من، حداقل یک دور احکام روزه را سریع بخوانید. اینها اثر دارد. وضعیت خودتان را بسنجید. کتاب‌هایی را که درباره‌ی اسرار روزه است، مطالعه کنید و از آنها بهره‌مند شوید. خطبه شعبانیه، دعای ۴۴ صحیفه مبارک سجاده و کلام اولیای خداوند را در این باره مطالعه کنید. انسان خودش را از این جهت هم مجهز کند. یک برنامه قرآنی خیلی خوب و قوی برای خودتان در ماه مبارک رمضان طراحی کنید که شامل تلاوت هم باشد. معمولاً در برنامه عمومی مردم ما است که روزی یک جزء قرآن بخوانند و در ماه مبارک رمضان یک ختم قرآن داشته باشند. این بد نیست؛ اما بهتر و بالاتر از این، این است اگر شما مثلاً یک ساعت وقت می‌گذارید، آن یک ساعت خواندن همراه با تدبر و تأمل باشد. اگر می‌بینید که کم است، دو ساعت کنید. ولی از این بخش کم نگذارید. طوری برنامه‌ریزی کنید که در ماه مبارک رمضان نصیب معارفی ببرید؛ وَاَلَّا ثَوَابَ رَا كَه

خواهید برد؛ لذا قرآن را تندتند نخوانید. خیلی بد است که انسان با قرآن کریم این گونه برخورد داشته باشد. قرآن کریم نسخه شفابخش است. چنانچه مقید هستید هر روز یک جزء تلاوت کنید یا تلاوتش را استماع کنید، خیلی خوب است؛ ولی به اندازهی آن و حتی دو برابر آن وقت بگذارید برای خواندن مدبرانه و در آخر نصیب خود را از هر جزء مشخص کنید. انسان وقتی قرآن می خواند، یک قسمت هایش با او حرف می زند. وقتی تلاوت یک جزء تمام شد، آیاتی را که با شما حرف زد، مشخص کنید. سپس به ترجمه و تفسیر آن مراجعه کنید و در آخر هم تدبر و تکرار آن آیات را سرلوحه کار خود قرار دهید.

بعضی ها علاقه مند هستند بیشتر از یک جزء بخوانند. خیلی خوب؛ کسی مخالفتی ندارد. شما بیشتر از این بخوان؛ اما مهم این است که چه چیز گیر شما آمد؟ اگر شنیده اید که امام رضا (علیه الصلاه و السلام) می فرمودند من روزی یک ختم دارم، اگر می شد سه تا ختم می داشتم؛ چون می خواستند تأمل کنند، به یک ختم قرآن اکتفا می کردند، در آن افق است. حضرت به ما پیام می دهند که معیار، تلاوت همراه با تدبر و تأمل است. از ما تدبر خواسته شده است.

محصول این کار این است که در پایان ماه مبارک رمضان یک دفترچه داشته باشید و آیاتی را که از رهگذر تلاوتها برای شما درخشیده، در آن دفترچه یادداشت کرده باشید. این خوراک سال شما در تدبر قرآن است. اگر این کار را نکنید، بعد از ماه رمضان می گویند که ما هم یک ختم قرآن خواندیم؛ همین؟! اینکه کار عوام است که می خوانند تا ثواب ببرند. پس نصیب شما از آیات قرآنی چه می شود؟ چه قسمتی از قرآن بر شما نازل شد؟ چه چیزی گیرت آمد؟ آیا شما را تکان داد و با شما حرف زد؟ انسان قرآن را می خواند تا خدا با او

حرف بزند. برای انس با قرآن کریم، به این کیفیت برنامه‌ریزی داشته باشید و به تفاسیر مراجعه کنید. همه‌ی اینها را از قبل از ماه مبارک برای خود آماده کنید.

به نظرم گزینه تفاسیر نمونه برای مراجعه اول بسیار مطلوب است. برای مراجعه دوم خود تفاسیر نمونه که جزء کتب تفسیری است که قدرش دانسته نشده است. اگر چه بعد از آن هم کارهای قوی و فنی‌ای شده، اما انصافاً تفاسیر نمونه، تفسیر فوق‌العاده‌ای است. تفاسیر فنی برای اهلش که می‌خواهند در علم تفسیر بیاموزند و تحقیق کنند مناسب است. جا دارد که انسان خدای متعال را شکر کند به خاطر داشتن چنین امکان خوبی که در دسترس است. خوشبختانه این تفسیر را گزیده و تلخیص کرده‌اند که در وهله‌ی نخست می‌توانید به آن مراجعه کنید. مفصل‌تر خواستید، می‌توانید به خود تفسیر نمونه مراجعه کنید. برای خودتان یادداشت بردارید و بنویسید و در پایان سال رمضانیه برایم بیاورید و نوشته‌هایتان را به من نشان بدهید. جلسه بعدی پایان سال رمضانیه است؛ منظور بعد از ماه مبارک رمضان است. یادداشت‌هایتان را بیاورید تا ببینم شما چه چیزی برداشت کرده‌اید. این دست‌نوشته‌ها دستاوردی است که می‌توانید تمام سال را با آن زندگی کنم.

کسب آمادگی برای ورود به ماه مبارک رمضان

این‌گونه است که در پایان دعای ۴۴ صحیفه، امام سجاد (علیه الصلاه و السلام) به محضر رب العالمین عرضه می‌دارد که خدایا، همه‌ی سال من ماه رمضان بشود. یعنی من از تو می‌خواهم که سراسر سال من همین خصوصیات را داشته باشد.

قرآن را از لیل‌القدر بگیرد و تمام سال را با آن روشن کند. مراقبت‌های اخلاقی برای چشم، گوش، زبان، محاسبه و نوشتن و جدول‌بندی و امثال اینها را در ماه مبارک رمضان انجام

دهید و آن را به تمام سال تعمیم بدهید. نماز اول وقت، انس با مسجد، سحرخیزی، مناجات و تضرع به درگاه خدای متعال را در شب‌های ماه مبارک رمضان تمرین کنید و آن را در تمام سال جاری کنید و از آن بهره‌مند شوید تا اگر ماه مبارک رمضان دیگری نصیبت شد، وارد مرحله‌ی تازه‌ای شوید.

این دو سه قدمی که تا ماه مبارک رمضان فرصت است، برای این جور آمادگی‌ها بسیار مناسب است. مضافاً اینکه در همین فاصله بهترین کار، استغفار به درگاه خدای متعال و طلب مغفرت از حضرت حق است. زیاد بگویید: «اللَّهُمَّ أَنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَأَغْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ؛ خدایا اگر در آن قسمت از ماه شعبان که گذشته ما را نیامرزیده‌ای، در آن قسمت که از این ماه مانده بیامرزمان».

انسان از گناه‌هایی که خبر دارد به درگاه خدای متعال عذرخواهی بکند. «أَقْرَأُ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيَّ حَسِيبًا؛ ۱۴ نامه‌ات را بخوان که کافی است امروز خودت حسابرس خویش باشی» اگر جبران‌هایی لازم است، عملیات جبرانی انجام بدهد.

بهسازی روابط اجتماعی در پرتو ماه رمضان

از تمام برنامه‌های خودسازی ماه مبارک، انسان باید توجه پیدا کند به بهسازی روابط اجتماعی. خواست خدای متعال و برنامه‌ای که اولیای خدا به ما داده‌اند این است که انسان در ماه مبارک رمضان تمام خطوط تماس اجتماعی خود را بهسازی کند. ابتدا از واجب - یعنی پدر و مادر - شروع کند و بعد به سمت مستحب برود.

کلمه بهسازی تعالی بخش است و موجب رفع اشکالات شبکه ارتباطی است تا قطعی و پارازیتی در آن وجود نداشته باشد و روابط روان باشد. این مرحله بهسازی است. یعنی اینکه این ارتباطات به مراحل بالاتری ارتقاء پیدا کند. این هم جزء نکته‌های جالب است. انسان سطح ارتباطات کیفی و کمی خود را با پدر و مادرش در ماه مبارک رمضان افزایش دهد؛ چه زنده باشند و چه از دنیا رفته باشند. همین برنامه را نسبت به ارحام نیز در پیش بگیرد. در همان دعای ۴۴ صحیفه داریم که: «وَوَقَّفْنَا فِيهِ لَأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَةِ» این خطوط را مثل یک مهندس کاملاً بررسی و آن را ترمیم و اصلاح کنید. «بِالْبِرِّ وَالصَّلَةِ» یعنی شادکردن، هدیه‌دادن، دیدار، تماس، دلجویی و کارگشایی، از جمله کارهایی است که انسان باید در قبال بستگان و خویشان خویش انجام دهد.

سال‌ها پیش مباحث مربوط به صلہ رحم را که مطالعه کردم، چیزی که برای من واضح شد این است که ظاهراً اگر «کارگشایی» نشود، صلہ صورت نپذیرفته است. یعنی اگر در شبکه ارحام شما، کسی قرار دارد که مشکل دارد و برای شما امکان رفع یا کاهش مشکل او وجود داشته باشد و شما کاری برای او صورت نداده باشید، قطع رحم کرده‌اید؛ هرچند با او سلام و احوالپرسی داشته باشید. طی مطالعاتی که یک سالی در دستور کارم بود، جهات فقهی، اخلاقی و جوانب دیگر صلہ رحم را بررسی کردم و یک جمع‌بندی به دست آوردم. نتیجه‌ی این جمع‌بندی این بود که مهم در صلہ رحم، کمک‌کار بودن است؛ همان چیزی امام سجاد (علیه السلام) آن را از خداوند طلب می‌کند: «وَوَقَّفْنَا فِيهِ لَأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَةِ؛ و ما را در آن ماه توفیق ده که با نیکی فراوان و بخشش، به خویشان خود نیکی کنیم». پس

کارگشایی نکته بسیار مهمی است و اینکه داشتن رابطه‌ی عاطفی و خوب - با تمام اهمیت و ارزشمندی آن - حداقل و کف ماجرا است. آنچه وارد شده، کمک و کارگشایی است..

در همان متن نورانی، امام سجاد (علیه السلام) بلافاصله بعد از صلّه ارحام، سراغ همسایگان می‌روند. همسایگی یک نوع خویشاوندی است.

سایر مؤمنین و دوستان و کسانی که بین ما حقوقی به صورت متقابل وجود دارد، همه‌ی اینها در این شبکه قرار می‌گیرند. این هم جزء کارهای ویژه‌ی ماه مبارک رمضان است که انسان وقتی از این ماه خارج می‌شود، کارنامه خوبی را برای خود رقم زده باشد.

من یکی از رفقا را می‌شناختم که با آنکه وضع مالی خوبی نداشت، در طول سال برای ماه مبارک رمضان پس‌انداز می‌کرد تا در این ماه برّ و صلّه و رسیدگی به وضع فقرا و ایتم داشته باشد.

غرض آنکه انسان به هر اندازه که می‌تواند، باید در ماه مبارک رمضان انفاق کند تا از فیض این ماه محروم نشود. از جمله بهترین کارها، افطاری دادن است. افطاری هم در درجه‌ی اول در شبکه‌ی فامیل و خویشان باید صورت گیرد. از مصادیق برّ در ماه رمضان در محور صلّه ارحام، افطاری دادن و افطاری رفتن است که معمولاً دومی بیشتر استقبال می‌شود!

انشاءالله همه‌ی دوستان موفق باشند. این بحث‌ها، به نوعی حدیث نفس بود. گویا من به خودم یادآوری می‌کردم و به شما هم نگاه می‌کردم؛ زیرا شما را هم دوست دارم. شما مثل خودم هستید. گویا انسان با خودش حرف می‌زند و برای رشد خودش طراحی می‌کند. چنین احساسی داشتیم. ما به اندازه نورانیت و معنویت و نصیبی که از ماه مبارک رمضان می‌بریم، موفق می‌شویم. توفیق ما در همه‌ی بخش‌های زندگی، مربوط به نصیبی است که از ماه

ضیافت الهی برداشت می‌کنیم. این طور به ماه مبارک رمضان نگاه کنید. این ماه، یک ماه متفاوت و به تعبیر بالاتر سرنوشت‌ساز است. سعی کنیم که سهم خودمان را هر چه می‌توانیم از برکات این ماه افزایش بدهیم. برای همدیگر هم دعا کنیم که دعا برای دیگران راهگشا است.

چند نکته تشکیلاتی

تابستان، ماه رمضان تشکیلات ما

اما چند نکته‌ی کوتاه؛ مطلب اول اینکه در آستانه تابستان هستیم و این برای مجموعه‌ای مثل ما یک فرصت کاملاً قیمتی است. تابستان از نظر تفاوت با فصل‌های دیگر، ماه رمضان تشکیلات ما است. یعنی یک تابستان خوب برای تشکیلات دانش‌آموزی، به منزله یک سال خوب تحصیلی است؛ چراکه تمام سال تحصیلی تحت تأثیر تابستان قرار دارد. اگر نتوانید از ظرفیت تابستان‌تان به شایستگی بهره‌مند شوید، یقین داشته باشید که در طول سال توفیقی نخواهید داشت. بهسازی شبکه و ارتباطات، آموزش‌ها، سازماندهی و مسائلی از این قبیل، در تابستان شکل می‌گیرد.

در طول سال باید مراقب کار انجمن‌ها باشیم و پشتیبانی و نظارت داشته باشیم، و الا انجمن‌ها در تابستان است که رونق پیدا می‌کند؛ از نظر پشتیبانی و روحیه گرفتن و خودشناسی. با این ملاحظه دوستان فرصت تابستان را قدر بدانند. مخصوصاً اخیراً طی بررسی خود فهمیدم که برای بچه‌های درس‌خوان در طول سال وقت خیلی کم می‌ماند. اخیراً به تعدادی از دوستان عزیزمان پیشنهاد دادم که در تابستان یک مقدار کارهای درسی بچه‌ها را جلو بیاورید. البته من اول به خود بچه‌ها گفتم که شما یک مقدار کار درسی‌تان را به قبل بیاورید تا وقتی به

سال تحصیلی وارد می‌شوید، از دیگران جلو باشید و بتوانید به کارهای انقلابی و امثال اینها برسید. شما می‌خواهید در مدرسه فعالیت کنید، این نیاز دارد به اینکه از قبل آمادگی داشته باشید. نه فقط آمادگی برای اقدام و فعالیت، بلکه آمادگی برای وقت‌گذاری.

توقع ما از بچه‌ها این است که از درس‌شان نگذرند. کسی که می‌خواهد خوب درس بخواند و از عهده کتاب‌های درسی بر بیاید، به کار دیگری نمی‌رسد، مگر اینکه آماده شده باشد. الان بعضی از مدارس خاص، امتحانات بچه‌ها که تمام شد، اردوهای خاص تابستانی دارند. در این اردوها در بعضی از درس‌ها که یک مقدار دشوارتر است، دانش‌آموزان را جلو می‌برند تا در طول سال بتوانند کیفی کار کنند. شما، مخصوصاً بچه‌های ویژه و فعال‌تان و آنهایی را که جزء پیشگامان تشکیلاتی ما محسوب می‌شوند، در تابستان از نظر درسی تقویت و کمک کنید. یا حداقل تشویق کنید تا بتوانند در طول سال موفق عمل کنند.

برای بچه‌ها مثال می‌زدم و می‌گفتم که ما می‌خواستیم در وسط سال تحصیلی به جبهه برویم. درس‌ها هم سنگین بود و باید از درس هم نمی‌افتادیم. کسانی هم که نمی‌رفتند، باید حال‌شان را می‌گرفتیم! چون بعضی‌ها اهل این حرف‌ها نبودند و نگاه‌های معناداری به بچه‌های جبهه‌ای می‌کردند. حتی یادم است کسی به کنایه و نیش گفت: کسانی که می‌خواهند از درس فرار کنند، به جبهه می‌روند. حالا هم می‌گویند که دانش‌آموزانی که می‌خواهند از درس فرار کنند، به انجمن اسلامی می‌روند.

ما سبکی را که انتخاب کرده بودیم هر وقت که می‌خواستیم به جبهه برویم، قبلش درس‌ها را جلو می‌بردیم. یکی دوبار که برای من این امکان فراهم نشده بود که مطالعه کنم یا نوار گوش دهم یا از استاد استفاده کنم، حالت معجزه‌آسایی اتفاق افتاد و مشکل کار برطرف شد. مثلاً

کتاب مُعهه از کتاب‌های فنی و مشکل حوزه است و حتماً برای فهمیدن آن باید پیش مطالعه داشت، کلاسش را رفت و بعد مطالعه و مباحثه‌اش کرد تا شاید بتوان از عهده‌اش برآمد. چند قرن است که طلاب حوزه با آن سر و کار دارند، متن متین و فوق‌العاده‌ای دارد. یک بار نرسیدم آن را بخوانم. توسل کردیم و گفتیم که ما شروع می‌کنیم به خواندن. اگر ما متوجه شدیم و جلو رفتیم، این نشانه‌ای است برای اینکه ما حتماً این نوبت به عملیات می‌رویم. شروع کردیم به خواندن. کتاب را باز کردم، دیدم این متن را هم پیش مطالعه کرده‌ایم، هم مطالعه کرده‌ایم، هم مباحثه! این متن مثل موم در دست ما بود. به سرعت خواندم و جلو رفتم. صفحه اول و دوم و سوم و چهارم، دهم... تا جایی رسیدم که دیدم که دیگر نمی‌توانم. متوقف شدم و جلو نرفتم. یک کتاب دیگر هم بود که به همین قاعده انجام شد. حدود ۴۵ روز طول کشید تا از منطقه برگشتیم. وقتی آمدم، دیدم که تا همانجا خوانده شده بود و در امتحان نمره من از کسانی که جبهه نرفته بودند و کنایه هم می‌زدند، بالاتر شد.

حالا من یک وقت‌هایی به بچه‌ها به شوخی می‌گفتم که شما چنین نیتی بکنید و درس بخوانید. به نیت اینکه فردا می‌خواهید به مدرسه بروید و وارد میدان عملیات بشوید. می‌خواهید برای انقلاب و برای رشد انقلابی مدرسه وقت بگذارید. اگر کسی با خدا خوب معامله کند، امداد الهی شامل حالش می‌شود.

می‌خواهم عرض کنم ما به بچه‌ها برنامه دهیم. از حالا در بعضی از درس‌ها که یک مقدار ضعیف تر هستند، مشاوره بشوند و مطالعه کنند تا قوی شوند. در کنار اینکه در برنامه‌های تشکیلاتی خود را آماده و مجهز می‌کنند، درس نیز بخوانند. در این صورت به محض اینکه سال تحصیلی شروع می‌شود، همه چیز انجمن اسلامی از قبل آماده است. یکی دو نشریه از

قبل آماده کرده‌اند. بُردشان تنظیم شده و محتواهایشان را چیده‌اند. برای مناسبت‌ها آمادگی دارند و... . خیلی از کارها را می‌شود از قبل انجام داد. این یک نکته که خواستم بر روی آن تأکید کنم. من همیشه به دوستان یادآوری می‌کنم که ما قدر تابستان را آن‌طور که باید و شاید نمی‌دانیم. دوستان در برنامه‌ها، اردوها و کارهای ویژه تشکیلاتی تابستان را هم در نظر بگیرند.

جالب این است که امسال تابستان هم با ماه مبارک رمضان شروع می‌شود که خودش یک اردوی معنوی فوق‌العاده جذابی است. در این مقطع انسان اگر بتواند چند کار قرآنی، یک کار ویژه تربیتی و اقدامات خاصی را انجام بدهد، کار بسیار خوب و مناسبی را انجام داده است. یکی از دوستان درباره‌ی اعتکاف بچه‌ها در ماه مبارک رمضان از من سؤال کرد؛ زیرا بچه‌ها نتوانستند در اعتکاف ماه رجب شرکت کنند. من گفتم: اگر برای بعضی از دوستان این امکان‌ش است که اعتکاف رمضانیه را برگزار کنند، این چیز خوبی است. من خودم تجربه‌های اعتکافی‌ام همه‌اش برای ماه رمضان است. من تجربه اعتکاف ماه رجب را ندارم. اگر موقعیت اعتکاف فراهم بود و بچه‌ها مایل بودند، چیز خوبی است. اعتکاف هم از جمله کارهای ارزشمندی که دوستان می‌توانند برای آن برنامه‌ریزی کنند.

انجام‌بخشی بیشتر به فعالیت‌ها

نکته پایانی، این که ما با ملاحظه رویکردهایی که در آموزش و پرورش وجود دارد، باید فعالیت‌هایمان را منسجم‌تر و جدی‌تر کنیم و از فرصت‌هایی که در رویکردهای عمومی آموزش و پرورش برای مسئولان جدید وجود دارد، به صورت فعال استفاده کنیم.

این کار دو بخش می‌شود. در برخی بخش‌ها یک نوع فرصت‌گشایی است؛ مثلاً اگر می‌گویند ما می‌خواهیم کتابخانه‌های مدارس را تقویت کنیم و این کار را به دانش‌آموزان بسپاریم، ما باید از قبل آماده باشیم و حرف‌های خودشان را از خودشان مطالبه کنیم. بگوییم که ما آمادگی‌اش را داریم. من معتقدم بهترین پایگاه انجمن اسلامی در مدارس، کتابخانه است. بچه‌های انجمن اسلامی خودشان بلد هستند که چه کار کنند.

رهبر عالی‌قدر و حکیم ما در باب کتابخوانی و ترویج کتاب‌های خوب، تأکیده‌های فراوانی دارند. ما در این زمینه خیلی شرمنده هستیم. خانم آباد در جلسه رونمایی از کتاب *من زنده‌ام*، می‌گفت: من کتابم را تازه چاپ کرده بودم که آن را محضر رهبر عظیم الشان بردم تا به حضرت آقا تقدیمش کنم. ایشان مرا که دید، کسی معرفی کرد که ایشان خانم آباد هستند که الان عضو شورای شهر تهران هم هستند. آقا گفتند: عجب، کتاب *من زنده‌ام*. یک مقدارش را خوانده‌ام. بعد ایشان فرمودند: حالا شما این کتاب را به من بده، بقیه‌اش را از این کتاب که شما به من هدیه دادید، می‌خوانم. با آنکه چند روز از انتشار این کتاب نگذشته بود، آقا بخش زیادی از آن را خوانده بودند. اهتمام رهبری عظیم الشان مخصوصاً راجع به کتاب‌های حوزه دفاع مقدس، برای ما پیام دارد. پیامش این است که کسانی که در کارهای تربیتی هستید، بچه‌ها را تشویق کنید که این کتاب‌ها را بخوانند. کتاب‌های پایی که جاماند، نورالدین پسر ایران، *من زنده‌ام* و ...، مثلاً دختران ما کتاب «من زنده‌ام» را بخوانند. هر کدام از این کتاب‌ها یک دستگاه تربیتی است. اولاً، افراد را با تاریخ انقلاب اسلامی آشنا می‌سازد. زجرها و رنج‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها را ترسیم می‌کند. ثانیاً، از جهت روحی تقویت می‌شوند و الگو می‌گیرند. فاصله بین خودشان و این قهرمان‌ها را ملاحظه می‌کنند و چون خیلی فاصله

است، برای پر کردن آن برنامه‌ریزی می‌کنند. این کتاب «من زنده‌ام» چهل و دومین کتابی بود که رهبری معظم بر آن تقریض زدند. از زمانی که ایشان کتاب فرمانده من را تأیید کردند و پشتش چند جمله از زیارت‌نامه یاران امام حسین (علیه السلام) را نوشتند که السلام علیکم یا انصار دین الله و ... مرقوم فرمودند، به کتاب‌های حوزه دفاع مقدس توجه شد.

شناسایی سهم اتحادیه‌ی ما از کتاب و کتابخوانی

این حرکت آقا به همه راهکار می‌دهد که شما در این مسیر حرکت کنید. ما باید سهم خودمان را شناسایی کنیم. در مدرسه‌ها، بچه‌ها این کتاب‌ها را ترویج کنند. گاهی سر صف قسمتی از این کتاب‌ها را انتخاب کنند و بخوانند. برای بچه‌های دیگر نقل کنند. ما باید پیام را گرفته باشیم. متأسفانه خیلی وقت‌ها پیام رهبری را دریافت نمی‌کنیم. پیام‌هایی به این صراحت و وضوح را گاهی وقت‌ها دریافت نمی‌کنیم. هم کار تربیتی، هم کار انقلابی و هم کار تفریحی است. چه بهتر از این؟ در همین تابستان امسال، شما بچه‌ها را تشویق کنید این کتاب‌ها دست‌شان باشد، به همدیگر هدیه بدهند و بخوانند. بعد هم جلساتی باشد که برداشت‌های خودشان را به همدیگر بگویند. از نویسندگان دعوت کنید به جمع بچه‌ها بیایند. بعضی از اینها خیلی خوب صحبت می‌کنند. مثلاً آقای حسینی فوق‌العاده است. من معتقدم ایشان باید در همه‌ی اتحادیه‌های کشور حضور یابند. بچه‌ها مرتب برای او جلسه بگذارند و ایشان برای بچه‌ها صحبت کند. تعابیر آقا راجع به کتاب پایی که جا ماند خیلی عجیب است. آن جلسه چند ساعته که با خانواده آقای حسینی داشته‌اند. دقیقاً امکان همانندسازی وجود دارد. چون تمام این اتفاقات عجیب و غریب برای یک دانش‌آموز راهنمایی افتاده است. این، برای

بچه‌ها خیلی جالب و درس‌آموز است. این کتاب‌ها گنج انقلابی ما است. از این آقایان و خانم‌ها استفاده کنید.

بچه‌ها این کتاب‌ها را بخوانند و با نویسندگانشان گفتگو کنند تا صبر، نشاط و طراوت انقلابی در بچه‌ها زیاد شود. صبر عنصر اساسی و اصلی در انجمن است. بعضی اوقات بچه‌ها خجالت می‌کشند به مسئول اتحادیه بگویند که به ما پول بدهید تا کار کنیم. شاید شما هم پول نداشته باشید و خجالت بکشید که بگویید چیزی در کار نیست. باید طوری بار بیایند که خودشان خودجوش وارد میدان بشوند و انگیزه پیدا کنند. اینها واقعیت‌ها است.

گوهرهای ناشناخته‌ای به نام شهدای اتحادیه

اخیراً در سفر همدان آنجا چند تا کشف جالب از شهدا برای ما اتفاق افتاد. شهید عزیزی بود به نام حمید هاشمی که به منزل ایشان رفتیم. خیلی فوق‌العاده بود. بعد متوجه شدیم از بچه‌های انجمن اسلامی بوده است. خوشبختانه از او فیلم داشتند. یک تکه سخنرانی کرده که خیلی فوق‌العاده است. باید از اتحادیه همدان سؤال کرد که چقدر نصیب بردید از چنین سرمایه‌ای که در شهر شما است؟ چرا کشور از آن بهره‌مند نشده است؟ چرا این در کشور مشهور و معروف نشده است؟ یا مثلاً شهید سید جعفر حجازی. ایشان از مؤسسين اتحادیه و جزء پایه‌گذاران آن است. که جالب است که در دست‌نوشته‌هایش به هر مناسبتی، به انجمن اسلامی ارجاع می‌دهد. از مجموعه یادداشت‌های ایشان متوجه شدم کسی که آنها را برای تدوین گرفته بود، متأسفانه همه را گم کرده است. از آن چیزی که باقیمانده، کتابچه‌ای تهیه شده که دست خانواده آن شهید است. من آن را به امانت گرفتم و دوباره به آنها پس دادم. به رفقا گفتم: این نوشته‌ها نشان می‌دهد آن شهید شخصی در افق چمران بوده است. شهید سید

جعفر حجازی از بچه‌های اتحادیه است؛ چرا خود را دست‌کم می‌گیریم و کار نمی‌کنیم؟ باید این آثار را منتشر کنیم و سر و صدا راه بیندازیم.

خدا می‌داند یکی از اینها کافی است برای تشکیلات. با وجود این گوهرها، دست ما از این شهدا و مؤسسین که فراوانند، خالی است. مثل کسی که غرق نعمتی است و دیگر آن نعمت را نمی‌بیند و نمی‌شناسد و درکی از آن ندارد. این طوری با داشته‌هایمان برخورد می‌کنیم. معرفی و ارائه اینها این نسل را پیش می‌برد. این را من مثال زدم تا همه‌ی دوستان این شهدا را شناسایی و معرفی کنند. این ظرفیت‌ها، محله‌ای و شهرستانی و استانی نیستند؛ اینها ظرفیت‌های ملی هستند؛ مخصوصاً کسانی که در شبکه و جزء مؤسسین اتحادیه بوده‌اند. خوشبختانه برخی از این شهدا نوشته‌جات دارند که این، خیلی مهم است؛ زیرا در نوشته‌هایشان درباره‌ی اتحادیه صحبت کرده‌اند. مثلاً در زاهدان شهیدان عبادی را باید کل اتحادیه ما و نسل‌های جدید در کل کشور بشناسند. مثلاً متنی که گفته بر روی قبر من برای بچه‌های اتحادیه بنویسید. مگر یک تشکیلات چه می‌خواهد؟ ما داریم با این مسئله خیلی عادی برخورد می‌کنیم. اینکه طرح همکلاسی آسمانی داشته باشیم و گاهی اسمی ببریم و جلسه‌ای بگیریم، اصلاً کافی نیست. باید شهدا را معرفی کرد. شما باید آنها را اکتشاف و شناسایی کنید که البته در طرح همکلاسی آسمانی مقدار زیادی این کار صورت پذیرفت.

دفتر مرکزی باید فعالیت کند و گروه هنری تشکیل دهد. اینجا جای کار دارد. حتی باید برای برنامه‌های ملی طراحی و برنامه‌ریزی کنیم. از بعضی از شهدا هیچ چیزی نداریم، جز یک عکس و اسم یا خاطرات کوتاهی که مثلاً فلانی در کجا شهید شده است. اما بعضی از شهدا دست‌نوشته دارند، نامه دارند، خاطره دارند، فیلمی از آنها باقی مانده است. اینها را باید سر

دست‌تان بگیرید و شناسایی کنید تا برای شناسایی آنها طراحی و برنامه‌ریزی بشود. نگاه‌تان هم نگاه ملی باشد. بحث فقط در حد یک محله و منطقه نیست.

داشتم این را عرض می‌کردم که از بعضی از مطالبی که آقایان آموزش و پرورشى مثلاً بخش تربیتی و وزیر محترم و دیگران گاهی اعلام می‌کنند، باید استفاده بکنیم. مثلاً ایشان می‌گویند که ما می‌خواهیم کتابخانه‌های مدرسه‌ای را تقویت کنیم، بعد بدهیم دست دانش‌آموز. بچه‌هایمان را آماده و این را از آنها مطالبه کنیم.

اینها را باید استفاده کرد. مضافاً اینکه ما باید حتماً مراقب آسیب‌ها هم باشیم. اگر در سطح استان شما و بعد هم در سطوح ملی، گاهی مواضعی گرفته و حرف‌هایی زده می‌شود که با موازین انقلاب و تربیت اسلامی هماهنگ نیست، حتماً شما ما را باخبر کنید. در سطوح مرکزی، دوستان باید کاملاً مراقبت کنند و ما از باب رسالت انقلابی، اینها را باید حتماً متذکر شویم. گاهی یک نامه است که باید بنویسیم. گاهی یک تذکر است. گاهی هم باید فریادی کشید که این چه مطلبی است؟! بحث پارلمان معلمان، از مواردی بود که من تذکر تند دادم. اگر لازم شد سر و صدا هم باید بکنیم. البته این بحث هنوز ملی نشده است و در حد بعضی از استان‌ها است. در همین استان همدان مطرح که شد من در آنجا مسئله را در حضور استاندار و مدیر کل واضح و روشن کردم. از جنس کارهایی است که عواقب بدی دارد و خطرناک است.

ساکت و بی‌موضع نباشید!

حواس‌تان باشد، بعضی از رگه‌های اصلاح‌طلبی فعال شده است. بعضی از اینها دردوره قبل عملکرد خوبی نداشته و بد عمل کرده‌اند.

دوستان مراقب باشند. مخصوصاً در آموزش و پرورش مراقبت کنید و بنده و آقای علامتی و دوستان را به هر شکل ممکن مطلع کنید. ساکت و بی‌موضع نباشیم.

ارتباط فعال با سایر تشکلهای مؤمن با حفظ هماهنگی تشکیلاتی

دوستان با سایر تشکلهای امین و مؤمن نیز ارتباط فعال داشته باشند. این چیزی است که همین الان مورد نیاز انقلاب اسلامی است؛ بعداً دیر است. ما توقع داریم که اتحادیه در این بخش نقش جمع‌کننده و حامی این جلسات را داشته باشد. الان در کشور «بنیاد خاتم الاوصیاء (علیه الصلاة والسلام)» این کار را انجام می‌دهد؛ منتها یک جا قوی‌تر و یک جا ضعیف‌تر. یک جاهایی شما ممکن است که به مدل کارشان اشکال داشته باشید؛ ولی همین‌ها مشغول فعالیت هستند. آنجاها شما حضور فعال و ارتباط جدی داشته باشید. نقش ما، نقش تقویت همگرایی تشکلهای اسلامی در استان‌ها باشد. یعنی همیشه از سمت ما به این قبیل کارها دلگرمی و روحیه داده بشود. خود ما هم عضو فعال آن باشیم. اینکه دیگران می‌آیند یا نمی‌آیند، به عهده خودشان. ما این ویژگی را داشته باشیم که در این زمینه قوی عمل بکنیم. تدابیری هم انجام شده است. بنا شد که از این پس در سفرهای استانی یک جلسه با فعالان این گروه و بچه‌های جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی داشته باشیم. بعضی از این برنامه‌ها هم انجام دادیم که ان شاءالله در سفرهایی که خدمت شما می‌رسیم، آن را ادامه می‌دهیم. آمادگی از جانب ما هست، شما هم مقدماتش را فراهم کنید و بانی بشوید. با مرکزیت هم هماهنگی داشته باشید. ضمن اینکه من عضو امنای همین مجموعه هم هستم.

این دوستان بنیاد خیلی علاقه‌مند هستند که از ظرفیت‌های اتحادیه بهره‌مند بشوند. ما طبعاً وقتی می‌گوییم در این خط می‌خواهیم حضور فعال داشته باشیم، یکی از معانی‌اش این است.

منتها دوستان باید بدانند که این رابطه باید تحت قاعده باشد. بی قاعدگی و بی انضباطی در خود کار نباشد و در تشکیلات ما هم بی انضباطی درست نکند. مواظب این هم باشیم. این هم یادتان باشد که بعضی جاها اسم همین همگرایی تشکل های جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی هست. این چیز خیلی خوبی است. گاهی اوقات می بینید که نسق ندارد و بعضی مواقع اقداماتی که می کنند، ممکن است به انضباط تشکیلاتی ما آسیب بزند. شما باید مراقب باشید. حضور فعال منتها تحت قاعده. نیاز به مشورت داشتید تماس بگیرید. گاهی که مسئله نیاز به هماهنگی مرکزی دارد، حتماً هماهنگی لازم را انجام بدهید؛ زیرا گاهی ممکن است به مصلحت نباشد. بعضی را خبر داریم که مثلاً فلان استان، مستقیم و بدون هماهنگی با ما، رفقا رفتند، یک جنس خوب و درجه یک را در استان شناسایی و کشف کردند. مستقیماً به آنجا رفتند و تماس گرفتند و ارتباط برقرار کردند. آن محتوا را دیدند و خواستند و حتی مقدمات برنامه را فراهم آوردند که شما هم بیایید و این چیز را هم بیاورید. البته دوستان ما در آنجا حواس شان جمع بوده و گفتند: ما در خدمت هستیم، ولی باید هماهنگ کنیم. یعنی خیال نکنید که ما این را همینجوری تقدیم می کنیم. نه، باید حتماً با مرکزیت هماهنگ بشود. همکاری های عمومی آری؛ و همکاری های اختصاصی تحت قاعده مرکزی که آسیبی به روند فعالیت ها در مجموعه ما وارد نکند، این مطلوب ما است.

برای هم دعا کنیم

از خدای متعال برای همه ی شما توفیق می خواهم انشاء الله که روزهای خیلی خوب در این ماه عزیز در پیش داشته باشید. ما را دعا کنید و ما هم شما را دعا می کنیم. ان شاء الله خدای متعال برکت و رحمتش را بر همه ی شما و همه ی اعضای عزیز انجمن اسلامی نازل کند. این

بچه‌ها که در آستانه کنکور هستند، ان‌شاءالله خدای متعال آنها را موفق بدارد. بعضی از آنها خیلی غیرتی درس خواندند. من کمی نگران هستم که اگر نتیجه آن چیزی که دلشان می‌خواست نشود، آسیب ببینند. دیروز به بعضی از آنها زنگ زد. بعضی‌ها هم جواب ندادند. با چند نفر صحبت کردیم. این تماس ما موجب آرامش خاطر آنان شد. یک نفر گفت که نگران هستم، گفتم که شما چرا نگران هستید؟ شما زحمت خود را کشیدید؛ زیرا با غیرت درس خوانده‌اند. گفت: اگر رتبه‌ام یک رقمی نشد، باید دورقمی را حتماً بیاورم. این در هدف‌گذاری خوب است، ولی باید مراقبت عواقبش بود. دوستان مواظب باشند. عزیزی که در این خط فعالیت می‌کنند، مراقب شرایط بعد از کنکورشان باشید که اگر نتیجه آن چیزی که می‌خواستند نشده باشد، به آنها فشار غیر منطقی نیاید. مخصوصاً با آنهایی که ادعا دارند. جوان است، ادعایی می‌کند و بعد که نشد، ممکن است کار برای او سخت بشود.

از خدای متعال می‌خواهیم که به لطف و کرمش عزیزان ما را در این امتحان موفق بدارد و خبرهای خوشی از نتایج آنها هم به ما برسد.

خدای متعال را قسم می‌دهیم به حق اولیا و مقربان درگاهش نظام ما و رهبر عزیزتر از جان ما را در کنف حمایت ولی عصر (اروحنای فدا) محافظت کرده و عزت کرامت بفرماید.

دولت و ملت را در مسیر آرمان‌های اسلامی موفق بدارد.

شر دشمنان را به خودشان برگرداند. از رئوس الشیاطین تا انصارالشیاطین همه را منکوب کرده و حيله‌هایشان را به خودشان برگرداند.

ملت عراق را از این فتنه‌ای که برپا شده به لطفش و کرمش نجات کرامت بفرماید.

خدا را قسم می‌دهیم به حق اولیایش و مقربان درگاهش موانع ظهور امام زمان ما را مرتفع
بفرماید و همه ما و مجموعه‌ی انجمن‌های اسلامی را از یاران آن حضرت مقرر بدارد.
ارواح مطهر امام راحل و شهدا از ما راضی کند. شهدای عزیز هفتم تیر و شهید بهشتی عزیز
را با سالار شهیدان اباعبدالله الحسین(علیه الصلاة و السلام) محشور کند.